

# آن مادران، این دختران

22 دی 1401

**کتاب** «آن مادران، این دختران» اثر نویسنده، منتقد ادبی و تهیه‌کننده، **بلقیس سلیمانی** است که اولین بار سال ۱۳۹۷ منتشر شد. این اثر در زمره آثار پسافمینیستی قرار گرفته است و موضوعات جدیدی را توضیح می‌دهد که کمتر نویسنده‌ی زنی در ایران به آن‌ها پرداخته است. خود سلیمانی هم درباره‌ی کتاب آن مادران، این دختران می‌گوید: این رمان شبیه هیچ‌یک از آثار قبلی من نیست.

در کتاب آن مادران، این دختران با سه نسل فکری از زنان ایرانی با دغدغه‌های متفاوت، مواجه خواهیم بود که همه‌ی زندگی‌شان به همسرداری و بزرگ کردن فرزندانشان گذشته است؛ به بیان دیگر، این نسل از زنان، با اینکه با باورهای معمول جامعه‌شان سازگار شده‌اند ولی در مرز بین سنت و مدرنیته گیر کرده‌اند و به دنبال پیدا کردن معنای واقعی زندگی هستند.

محور اصلی داستان زن به نام «ثریا» است که همسرش «اکبر» را به خاطر تصادف از دست می‌دهد و با وجود تمام رنج‌ها و سختی‌ها تلاش می‌کند تا دخترش «آنا» را بزرگ کند. او حق یک زندگی خوب را از خود می‌گیرد، زیرا مادری کردن را وظیفه‌ی اصلی خود می‌داند. او همواره تلاش می‌کرد بیوه بودنش را از مردم پنهان کند تا مبادا مورد تعرض قرار گیرد.

ناگهان داستان به دوران بزرگسالی آنا می‌رود و او به دختری تبدیل شده که همواره در تمامی زمینه‌ها با مادرش مخالف و مادرش زن میان‌سالی با کوله‌باری از حسرت و ناامیدی تبدیل شده است.

آنا ازدواج ناموفقی را پشت سر می‌گذارد و به دلیل اینکه، اذیتی برای مادرش نداشته باشد در مترو دست‌فروشی کرده و بعضی وقت‌ها مسافرکشی هم می‌کند. او آینه‌ی مادرش ثریا می‌شود و او را به خودآگاهی می‌رساند و به این ترتیب ثریا رفته‌رفته از سنت به مدرنیته می‌رود و افکار متفاوتی از خود نشان می‌دهد.

## در قسمتی از کتاب آن مادران، این دختران می‌خوانیم:

«مامان جان، یک‌کلام بگو این مدرک کوفتی فوق‌لیسانس رو برای افزایش حقوق بازنشستگی تا می‌خوای و قال قضیه رو بکن، این ادا و اطوارا چیه. به جای این‌که بشینی یکی تو سرخودت بزنی دوتا تو سر این متن‌های انگلیسی سخت، برو خیابون انقلاب یک‌میلیون بده، رساله حاضر و آماده بخر بیار. اصلا زنگ بزنی، احتمالاً دلیوری دارن، برات رساله رو می‌آرن، و با کارت‌خوان همین جلوی در پولشون رو می‌گیرن و می‌رن. یک میلیون هم که نه تو رو بدبخت‌تر از اینی که هستی می‌کنه، نه اون بدبخت بیچاره‌ای رو که بیکاره و احتمالاً از نخبه‌های این مملکت پولدار.»